

کارکرد میراث اسلامی در شعر فاروق جویده

کاوه رحیمی*^۱ (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران)

یحیی معروف^۲ (استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه)

DOI: [10.22034/jilr.2023.62361](https://doi.org/10.22034/jilr.2023.62361)



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

تاریخ الوصول: ۲۰۲۲/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

صفحات: ۷۷-۹۳

تاریخ القبول: ۲۰۲۲/۰۸/۱۶

چکیده

بدون شک می‌توان از ادبیات به عنوان یک منبع مهم و قابل اتکا در بازخوانی فرهنگ و اندیشه یک ملت نام برد. باورهای دینی بخش مهمی از فرهنگ هر ملتی است که اصولاً در قالب متون دینی و نیز شخصیت‌های دینی تبلور می‌یابد. فاروق جویده از جمله ادبای معاصر مصر است که با تکیه بر اسلوب بازخوانی میراث اسلامی سعی در معنا آفرینی داشته است. هدف او تبیین درد و رنج انسان در جامعه معاصر از جمله خشونت، ظلم، عذاب و غربت بوده است. این پژوهش بر آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی راهبرد شاعر در این زمینه را بازنمایی کند. در این راستا نه تنها می‌توان منابع مختلفی که وی از آنها الهام گرفته بازشناخت؛ بلکه شیوه‌های ادبی متنوع وی برای پیشبرد اهدافش را مطالعه کرد. نتایج نشان می‌دهد رویکرد شاعر در سروده‌هایش بر محورهای میراث دینی، شخصیت‌ها و اماکن تاریخی - اسلامی متمرکز است. ساختار اندیشه وی در این راستا مبتنی بر کاربرد شیوه‌های متنوعی بوده است. جهان‌بینی شاعر در این راهبرد آن است که به مردم کشورش یادآوری کند بازگشت به میراث کهن، تنها راه برون رفت از وضع حاضرشان است.

کلید واژه‌ها: میراث اسلامی، شیوه‌های بازخوانی میراث، شعر معاصر عرب، شعر معاصر مصر، فاروق جویده.

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: k_rahimi1400@yahoo.com

^۲ پست الکترونیک: y.marooof@gmail.com

توظيف التراث الإسلامي في شعر فاروق جويده

الملخص

بلا ريبٍ يُمكننا أن نعتبرَ الأدبَ كمصدرٍ هامٍّ ووثيقٍ في استدعاءِ الثقافةِ وافكارِ الشعوب. العقائدُ الدينيَّةُ قسَمٌ هامٌّ من الثقافةِ لكلِّ شعبٍ تتجلى في بناءِ النصوصِ الدينية والشخصياتِ الدينية. بينما استدعاءُ التراثِ من القضايا الهامَّةِ التي قد اعتنى بها شعراءُ العربِ المعاصرون و قد كان لهذا صدى واسع النطاق في آثارهم الشعرية. فاروق جويده من الأصوات الشعرية الصادقة والمميزة في حركة الشعر المصري المعاصر اعتماداً على أسلوب استدعاء التراث سعى في إثارة المعنى. نظرة الشاعر في اشعاره على المحاور الرئيسة الثالوية: التراث الديني، التراث التاريخي - الإسلامي والأممكة الدينية التاريخية. بناء أفكار الشاعر في هذا المنطلق متكماً على استعمال الطرق المختلفة. تهدف هذه الدراسة اعتماداً على المنهج التحليلي - الوصفي أن تتطرق إلى دراسة و نقد توظيف التراث في شعر فاروق جويده. والنتائج تدلُّ على أنَّ طريقة استفاد فاروق للنماذج بأصنافها مختلفة تتوزع منها عن طريق تقنيات القناع والتناسل. كان أغراض الشعراء بيان الألم وعذاب الإنسان في المجتمع المعاصر منها، الموضوعات التالية: القهر والظلم، التمرد والغربة. ايديولوجية الشعراء في هذا المنطلق أن يتذكَّر لشعبه الرجوع إلى التراث القديم، الطريق الوحيد الذي لنجأتهم من ظروفهم الراهنة. نستطيع أن نتعرَّف على المصادر المختلفة التي استلهمها إضافة أن نطالع طرقه الأدبية المتنوعة لبدء أهدافه.

الكلمات الدلالية: التراث الإسلامي، طرق استدعاء التراث، الشعر المعاصر العرب، الشعر المصري المعاصر، فاروق

جويده.

۱- پیشگفتار

اصولاً میراث هر ملتی پژوهاک پیشینهٔ اوست که هر چقدر غنای بیشتری داشته باشد، کارکرد آن عمق بیشتری خواهد داشت. مهم‌ترین ره‌آورد میراث برای ادبیات، اصالتی است که برای آن به ارمغان می‌آورد از این‌رو رویکرد ادبیات معاصر به کاربرد آن بسیار بدیهی می‌نماید. هرچند دامنهٔ تعریف این پدیده بسیار وسیع است اما می‌توان مفهومی کلی برای آن متصور شد؛ میراث در معنای اصطلاحی عبارتست از «سنت‌ها، آداب و رسوم، تجارب، هنرها و علوم یک ملت که از گذشته برجای مانده است و جزئی از اساس اجتماعی، سیاسی، تاریخی، اخلاقی و انسانی یک ملت را تشکیل می‌دهد» (عبد النور، ۱۹۸۴: ۶۳)

پیشینهٔ کاربرد میراث در ادبیات عرب به نیمهٔ اول قرن بیستم به‌ویژه بعد از شکست ژوئن ۱۹۶۷ برمی‌گردد. ناگفته پیداست که انگیزهٔ کاربرد آن از سوی ادبا را می‌توان ایجاد ارتباط عمیق‌تر با مخاطب با اتکا بر کهن‌الگوهای پیشین برشمرد. راهبرد پیش‌گفته بر عمق تأثیرگذاری شاعر در جهت پیشبرد اهداف نهفته‌اش خواهد افزود. دیگر سخن آنکه کاربرد میراث راهکاری برای ارتقای خلاقیت در ادبیات است؛ در این میان سهم ادبیات معاصر مصر از این خلاقیت پرواضح است.

فاروق جویده نامی آشنا در ادبیات معاصر مصر است که از این هنر در اشعارش بهره برده است. راهبرد وی در این راستا تنها مبتنی بر بازگویی کهن‌الگوها نبوده بلکه رویکردی عمیق‌تر داشته است. شیوهٔ فاروق در این راستا مبتنی بر تشریح کارکرد میراث متمرکز شده است. به‌کارگیری این پدیده در شعر وی در دو بخش عمده پدیدار گشته است. رویکرد اصلی او بازنشانی در متون دینی و نیز بازخوانی شخصیت‌ها تجلی یافته است. شاعر ساختار الگوی خویش را در موضوع شخصیت‌ها گسترش داده و در موضوعات دینی، سیاسی، تاریخی، فرهنگ عامیانه و ادبی گسترش داده است. هنرنمایی وی جایی بیشتر تجلی یافته که از شیوه‌های منحصری در القای اهدافش بهره برده است از جمله در فراخوانی شخصیت‌های سنتی به سه روش کاربرد اسم علم در ساختاراسم، کنیه و لقب؛ یعنی نقش و گفتار بهره برده است. نکتهٔ کلیدی آنکه وی در آفرینش‌های هنری خود، از شیوه‌های بدیعی بهره برده است؛ به‌عبارت دیگر او سخن منظوم خود را به شکل جزئی، ممتد و محوری بازنمایی کرده است. آنچه که از ساختار و اسلوب او به‌دست می‌آید حاکی از آن است که هدف او نمایش تصویری واقعی از جامعه بوده است آن گونه که هدف غایی وی اعطای حیاتی نو به آنان بوده است. او توانست به‌گونه‌ای مطلوب میان مکتب رمانتیک و رئالیست برای پیشبرد این اهدافش پیوند برقرار کند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی کاربرد میراث در شعر فاروق جویده در پی پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است:

۱. منابع الهام فاروق جویده در بازخوانی میراث کدام است؟

۲. اسلوب، شیوه و میزان بازخوانی میراث در شعر فاروق جویده چگونه است؟
 ۳. اهداف شاعر از این بازخوانی چیست؟

۲-۱- پیشینه‌ی پژوهش

فاروق جویده از جمله شاعران برجسته معاصر مصر است که آثار شعری وی از جوانب مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که در اینجا می‌توان به برخی پژوهش‌های مهم در این زمینه اشاره کرد:

محفوظ حسین عبد الحمید محمد، خصائص الأسلوب فی شعر فاروق جویده، ۱۴۳۴هـ-۲۰۱۳ میلادی. نویسند در این کتاب سعی داشته ویژگی‌های ساختاری اعم از صرفی و نحوی را به شکلی منظم مورد واکاوی قرار دهد. بر اساس پژوهش وی شاعر در کاربرد اسلوب‌های صرفی و نحوی و نیز بلاغی در چارچوب اصول بوده است.

قائمی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی مضامین سیاسی اشعار فاروق جویده در جریان انقلاب ۲۰۱۱ مصر»، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۱۵۲-۱۲۸؛ نویسندگان در این پژوهش به تبیین مضامین سیاسی با وجود خفقان سیاسی در اشعار جویده پرداخته‌اند.

قائمی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۳)، مضامین تعهد ادبی در شعر فاروق جویده، مجله ادب عربی، دور ۶ شماره ۲. به بیان جنبه‌های تعهد ادبی شاعر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و قوم پرداخته است و او را در زمره شاعران متعهد و مبارز دانسته است.

نادری، فرهاد، نادری، سمیه (۱۳۹۶)، خوانش ساختار اندیشگانی و بینا فردی اشعار فاروق جویده براساس رویکرد نقش‌گرای هلیدی (مطالعه مورد پژوهانه: ده قصیده)، نقد معاصر عربی، سال هفتم، شماره پانزدهم، صص ۲۵ تا ۵۴. نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند که فاروق جویده در اشعار خویش از نقش‌بینا فردی و اندیشگانی برای بیان دیدگاه‌هایش به خوبی بهره برده است.

یحیی معروف و کاوه رحیمی (۱۳۹۳)، نقد و بررسی کاربرد میراث در شعر فاروق جویده، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی کرمانشاه. نگارندگان در این پژوهش کاربرد میراث را در شش حوزه کلی میراث دینی، تاریخی، فرهنگ عامیانه (فولکلور)، اسطوره‌ای، ادبی و میراث صوفی مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و مقاله حاضر مستخرج از همین پایان نامه است.

با وجود بررسی‌های بسیاری که به جنبه‌های گوناگون شعر فاروق جویده پرداخته، اما تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه کاربرد میراث اسلامی در آثار شعری فاروق جویده انجام نشده است.

۲- میراث‌گرایی در سروده‌های فاروق جویده

بدون شک میراث یکی از منابع ابداع در هنر و به‌خصوص ادبیات به‌شمار می‌رود. ناگفته پیداست که هیچ تمدنی در گذر تاریخ بدون ارتباط تنگاتنگ و پویا با میراث قدیمی شکل نگرفته است. کاربرد میراث در ادبیات را می‌توان از جمله مراحل ارتباط عمیق و ناگسستنی با جامعه برشمرد. ادبیات عرب هم از این مسئله مستثنی نبوده است. به عبارتی بیان شخصیت قدیمی و به‌کارگیری آن نوعی غناء و اصالت به ادبیات می‌دهد و از آنجایی که میراث به تفکر جمعی نزدیک‌تر است، ادبا به این نوع ادبی چه به‌صورت شعر یا نثری خصوصاً بعد از شکست ژوئن ۱۹۶۷ توجه نشان داده‌اند (عبدی، ۲۰۰۹: ۵۸) و آن را دوباره زنده کرده یا از آن الهام گرفته‌اند تا ادبیاتشان ارتباط محکم‌تری با جامعه داشته باشد. آنان نه تنها در سروده‌هایشان بر میراث تکیه کرده بلکه اندیشه و افکار مدرن در دوره معاصر را نیز فراموش نکردند. در این میان فاروق جویده نیز مانند دیگرشاعران معاصر از میراث قدیمی الهام گرفته است. او شاعری میراث‌گرا است که دلپسته دیرینه تاریخ است و از این دیرینه موروث به فراوانی در اشعار خود بهره جسته است؛ به گونه‌ای که یکی از ویژگی‌های مضمونی و ساختاری بارز در شعر این شاعر معاصر، میراث‌گرایی است. میراث عربی - اسلامی نسبت به دیگر انواع میراث در شعر فاروق جویده از بسامد بیشتری برخوردار است.

۳- منابع میراث در شعر فاروق جویده

میراث دینی در تمام شکل‌ها و نزد تمام ملت‌ها یکی از منابع الهام شعری است و شاعر بسیاری از الگوها و تصاویر ادبی خود را از آن می‌گیرد. امروزه کارهای ادبی بزرگی وجود دارند که محور آن شخصیت‌ها یا موضوعات دینی است و یا به گونه‌ای از میراث دینی تأثیر پذیرفته‌اند. (زاهدی، ۱۳۸۶: ۶۷)

۳-۱. میراث دینی

میراث دینی در اشعار جویده دارای اشکال و انواع گوناگونی است و در دو محور اصلی تجلی یافته است؛ یعنی متون دینی و بروز در شخصیت‌ها

۳-۱-۱. متون دینی

فاروق در این شیوه و در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه در قرآن و حدیث دارند (راستگو، ۱۳۸۳: ۱۵) به‌عنوان نمونه شاعر در بخشی از قصیده «بالرغم منا قد نضیع» تنازع بقا و نیاز به زندگی خود را در سایه شیوه قرآن چنین مجسم کرده است:

یا اَبی : یا لیتنا .. یا لیتنا .. / و غَدَوْتُ بَیْنَ الدَّرْبِ اَلْتَمَسُ اَلْهُرُوبَ / اَیْنَ اَلْمَقْرَ؟ / و اَلْعُمْرُ
یَسْرَعُ لَلْغُرُوبِ (جویده، ۱۴۱۲ هـ.ق-۱۹۹۱ م: ۱۳) (=ای پدر: کاش ما.. کاش ما.. کاش ما / و من
صبحگاهان در جستجوی گریختن از این مسیر بودم / راه گریز کجاست؟ / و عمر انسان راهی غروب
کردن است)

ترکیب «أین المقر» ترکیبی قرآنی است که با همین ساختار در آیه زیرآمده است: ﴿يَقُولُ
اَلْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ اَیْنَ اَلْمَقْرَ﴾ (قیامه: ۱۰) جویده مبارزه برای زیستن و گریز از پایان عمر را چون صحنه
ناگوار و هولناک قیامت می‌داند که کافران در آن روز در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند
بود. چنانچه وقتی کسی در دنیا دچار شدت و سختی قرار گیرد یا مهلکه‌ای تهدیش کند در
جستجوی گریز است. در روز قیامت هم ناخود آگاه کافران عبارت «أین المقر» را بر زبان می‌آورند.
(القرطبی، ۱۴۲۷هـ-۲۰۰۶، ۲۲: ۴۱۳)

هم چنین فاروق در قصیده «لصوص العصر» که در آن فساد مالی حسنی مبارک را بیان کرده با
اسلوب طنز چنین سروده است:

اِن سَادَ فِی الْاَوْطَانِ / اَشْبَاهُ الرِّجَالِ / وَطَنٌ ذَبِيحٌ / فَوْقَ مَائِدَةِ السُّكَّارِی / و اَلْمُلُوكِ الْعُرِّ .. /
و اَلرُّؤَسَاءِ... (جویده، ۱۹۹۷: ۱۰۶) (=اگر مرد نمایان در سرزمین‌ها سیادت یابند / وطنی قربانی
شده روی سفره مستان و پادشاهان از خود راضی ... / و رئیسان)

فاروق ترکیب "أشبه الرجال" را از امام علی (ع) گرفته است. امام در خطبه جهاد، در بیان
مظلومیت خویش و دلایل شکست کوفیان می‌فرماید: «یا اَشْبَاهَ الرِّجَالِ و لا رِجَالًا! حُلُومُ الْاَوْطَانِ
و عَقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ...» (=ای مرد نمایان نامرد! ای کودک صفتان بی‌خرد که عقلهای شما به
عروسان پرده‌نشین شباهت دارد! ...) (خطبه جهاد: ۵۲)

گاه نیز جویده از مضمون و اندیشه آیات مدد گرفته است در قصیده «ماذا تبقي من بلاد
الأنبياء» که درباره اوضاع تأسفبار فلسطین است، از آیه ﴿وَهَزِي اِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تُسَاقُطُ عَلَيْكَ
رُطْبًا جَنِيًّا﴾ (مریم: ۲۵) تأثیر پذیرفته: یا لَيْلَةَ الْاِسْرَاءِ عُودِي بِالضِيَاءِ / هَزِي بِجَذَعِ النَّخْلَةِ الْعِذْرَاءِ /
يَتَسَاقُطُ الْاَمْلُ الْوَلِيدِ عَلَي رُبُوعٍ...» (www.adab.com) (= ای شب اسراء! با نور برگرد / درخت
خرمای بی‌ثمر را تکان بده / تا امید روییده برتپه‌های قدس فرو افتد...)

شاعر با به کار بردن واژه «هزّی» و «النخل» که نماد جنبش انتفاضه است؛ منتظر رخ دادن
معجزه‌ای است که از لحاظ زمان و مکان با «سرزمین اسراء» (بیت المقدس) ارتباط دارد. شاعر به
شیوه زیبایی، مشکلات سرزمین قدس و اهالی آنرا در تقابل با مشکل حضرت مریم (س) قرار داده
است. در متن غایب، مشکل حضرت مریم (ع) به بهترین شکل حل می‌گردد و ثمره آن تولد حضرت
عیسی (ع) است. اما در متن حاضر جز «روح امیدواری» چیز دیگری یافت نمی‌شود. شاعر در این

سروده، با به کارگیری جمله‌های فعلیه «یساقط، تنفض، یبعث، تدفق» که برحدوث و تجدد دلالت دارد به ادامه حرکت جنبش انتفاضه در حال و آینده اشاره می‌کند. در واقع شاعر با ارائه مضمون قرآنی، روح امید را در مخاطبان زنده کرده و آنها را به آزاد سازی قدس از دست اشغالگران بشارت می‌دهد (صیادانی، ۱۳۹۰: ۲۸).

فاروق جویده در قصیده «من قال أن النفط أغلي من دمي» به اشغال کشور عراق توسط نیروهای آمریکایی و هم پیمانانش در روز چهارشنبه ۲۰ مارس ۲۰۰۳ م اشاره می‌کند؛ اشغالی که بعد از پشت سر نهادن دوره طولانی تحریم‌ها، فقر و گرسنگی و ظلم صدام حسین صورت گرفت و تأکید کرده که هدف حمله نظامی آمریکا دست‌یابی به نفت عراق است؛ او از زبان یک کودک عراقی این گونه سروده:

أطفال بغداد الحزينة يسألون .. / عن أيّ ذنبٍ يُقتلون / يترخون على شظايا الجوع .. / يفتسمون
حُبْرَ الموتِ ... (www.adab.com) (=کودکان اندوهگین بغداد می‌پرسند / به کدامین گناه کشته می‌شوند / از درد گرسنگی به خود می‌لرزند / در حالیکه نان مرگ را تقسیم می‌کنند).

جویده در این قطعه با بهره‌گیری از آیات: ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ﴾، ﴿بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ (تکویر: ۱۹/ ۸) کشتار کودکان عراقی توسط نظامیان آمریکا را چون زنده بگور کردن دختران در عصر جاهلی می‌داند اما دختر زنده به‌گور می‌تواند نماد مظلومیت باشد چرا که: «هر موجود زنده و مستعدی که ظالمانه نابود شد و هر استعداد زنده‌ای که خفه گردد و هر حقی که از میان برود، موهوده است و از آن سؤال و بازخواست می‌شود» (طالقانی، ۱۳۶۲: ۵۲۹).

گاه جویده برای الهام از اندیشه قرآنی از واژه یا لفظ خاصی که در قرآن ذکر شده، مدد می‌گیرد و با ذکر یک لفظ اندیشه و آرمان عظیمی را ترسیم می‌کند. به عنوان نمونه در قصیده «بالرغم منا .. قد نضيع» باذکرواژه «صخور و شکافته شدن آن وجوشش نور» از یک اندیشه عظیم قرآنی مدد می‌گیرد تا تجارب شعری خویش را به تصویر کشد:

قد كان لي مجدٌ وأيامٌ .. عظامٌ / قد كان لي عقلٌ يفجرٌ / في صُخورِ الأرضِ أثمارَ الضياءِ (جویده،
۱۴۱۲هـ-م: ۱۹۹۱: ۱۲) (=من زمانی برای خود بزرگی و شکوه و دورانی داشتم / فکر و درایتی داشتم
که / روی صخره‌های زمین نور و روشنایی به جوشش می‌آورد)

واژه صخور در این قطعه چه بسا یادآور این آیه قرآنی است: ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا﴾ (بقره: ۶۰) که به یکی از معجزات حضرت موسی (ع) اشاره دارد؛ وقتی آن حضرت با عصای خویش بر سنگ کوبید، از آن چشمه‌ها جوشید و نهرها جاری شد و قوم بنی‌اسرائیل از آنها نوشیدند و در نتیجه بعد از قحطی و خشک‌سالی، خیر و برکت فراوان به سراغشان آمد.

شکافته شدن صخور و جوشش نور از آن در شعر جویده رمز شکوه و عظمت و پیامدهای ناشی از آن است یعنی استمرار حیات، سرسبزی و رشد و نمو؛ چرا که وقتی آب از صخره جاری می‌شود و زمین را سیراب می‌کند؛ گل‌ها و گیاهانی را رویانده، خیر و برکت همه جا را فرا می‌گیرد» گویا جویده شکوه و عظمت عرب در دوران گذشته را معجزه‌ای قلمداد کرده که همچون معجزه حضرت موسی (ع) حیات، سرسبزی و بقاء را برای مردم به ارمغان آورده بود.

۳-۱-۲. شخصیت‌های دینی

هدف شاعر از بازخوانی شخصیت‌های دینی آن است که در سایه آنان به تبیین مشکلات جامعه بپردازد زیرا جامعه دینی در پرتو الگوهای دینی بهتر می‌تواند مشکلات را بپذیرد و با تأسی از ایشان الگویی جهت اصلاح برگزیند. از جمله موضوعاتی که شاعر امید به اصلاح آن داشته است مطالبی همچون تبیین نابرابری و راهکار اصلاح آن، مظلومیت مردم و امید به گشایش، طلب صبر و بیان رنج و مصیبت انسان معاصر عربی؛ را می‌توان نام برد.

در این راستا جویده در قصیده «لن تموتوا مرتین» به فراخوانی حضرت نوح (ع) و داستان طوفان او پرداخته است:

القدسُ سوف تحاصر الموتى... فَيَغْرُقُ الْجُنُثَ الْقَدِيمَةَ / ثُمَّ يبعثها / وتنبت من بقاياها الحناجر / يا نوحُ لا تعباً بمن خانوا / فلن ينجوا من الطوفانِ غادر (جویده: بی تا، ۶۰). (=قدس مردگان را محاصره خواهد کرد ... صدای قدیمی به جوش می‌آید / سپس آن صدا را برمی‌انگیزاند / و از بقایای آن حنجره‌ها می‌روید / ای نوح! به کسانی که خیانت کردند اهمیتی نده / هرگز حيله‌گر از طوفان نجات پیدا نخواهد کرد.)

شاعران معاصر شخصیت نوح (ع) را نماد تغییر و طوفان نوح را نماد مهاجرین صهیونیستی به خاک فلسطین می‌دانند. (فلاح النوافع، ۲۰۰۸: ۷۶ / ۷۱) در قصیده «عودة الأنبياء» با بهره‌گیری از شخصیت حضرت موسی (ع) و شیوه خطاب قرار دادن ایشان به بیان کشتار و زندانی شدن انسان‌ها، ظلم و ستم، گناه و قتل عام کودکان روی چوبه دار پرداخته و تنفر و انزجار خود را از برچیده شدن انسانیت بیان داشته است:

الأرضُ يا موسى تَضِخْ مِنَ الْجَمَاجِمِ وَالسَّجُونِ / أَطْفَالُنَا عَرَفُوا الْمَشَانِقَ... قَالُوا لَنَا يَوْمًا / بَأْنَ الْأَرْضِ
 كانت للبشر / موسى بربك هل ترى في الأرض / شيئاً .. كالبشر ؟ / (جويده، ۱۴۱۲هـ.ق - ۱۹۹۱م:
 ۲۲۱) (=ای موسی! زمین از مجموعه‌ها و زندان‌ها ناله می‌کند / کودکان ما چوبه دار را شناختند ...
 گفتند ما روزی داشتیم / اینکه زمین برای انسان بود / ای موسی تو را به خدا سوگند آیا روی زمین
 / چیزی همانند بشر را می‌بینی).

از نمادها و یا نقاب‌هایی که در شعر معاصر به موازات همسانی با تجارب شاعران از درد و رنج و
 غربت استفاده می‌شود حضرت مریم (ع) است (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۵۳/۱۵۲) که با ویژگی‌ها و فضائلی
 که دارد، در شعر فاروق نیز جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. وی در قصیده «إرحل»
 ضمن بازخوانی شخصیت حضرت مریم (ع) زنان را به مقاومت و پایداری در برابر مفسد و خفقان
 حاکم برجمله فرا خوانده:

صرخةُ امرأةٍ تقاوم خسةَ السَّجَانِ / صوتُ الشهيدِ على روابي القدس .. / يقرأ سورةَ الرحمن
 (www.adab.com) (=فریاد زنی با فرومایه‌گی زندانبان مقاومت می‌کند / صدای شهید روی تپه‌های
 قدس / سوره الرحمن را می‌خواند)

شخصیت مسیح برای بیان رستاخیز و نوزایی و بازایی و همچنین بیان درد و رنج انسان معاصر
 به کار برده می‌شود (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۱۱) جويده ، در سروده زیر نقاب حضرت عیسی (ع) را برچهره‌ی
 خود می‌زند و با صیغه متکلم از پیمال شدن حق و نابودی انسان شکایت می‌کند و او را نماد صلح
 و آرامش قرار می‌دهد.

عیسی رسولُ الله / يا مهدى السَّلام / هذي قبورُ الناسِ / ضاقت بالجمام والعظام / أحيأونا فيها
 نیام (همان: ۲۲۱/۲۲۲). (=عیسی(ع)، ای پیامبر خدا / مهد امنیت و آرامش / این گورستان‌های مردم
 است / از مجموعه‌ها و استخوان‌ها به تنگ آمده است / زندگان ما در گورستان‌ها آرمیده‌اند).

۲-۳. میراث تاریخی - اسلامی

فاروق جويده در تجربه شعری خود بسیاری از شخصیت‌ها و اماکن تاریخی - اسلامی را فرا خوانده
 است که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

فاروق جويده در قصیده‌ی «مرثیه حلم» با استفاده از اسلوب استفهام به فراخوانی
 شخصیت «صلاح الدین» پرداخته است و آرزو دارد که او در کالبد شخصیت دیگری برگردد. ظهور
 شخصیتی چون او که بتواند امت اسلامی و عرب را برای آزاد سازی قدس گرد هم آورده و
 سرزمین‌های اشغالی را از چنگ یهودیان درآورد؛ همانگونه که صلاح الدین بیت المقدس را بعد از
 سال‌ها اشغال از صلیبیان باز ستاند:

هل من صلاحٍ بسيفٍ الحقِّ يَجْمَعُنَا / فِي الْقُدْسِ يَوْمَا فِيُحْيِيهَا.. وَ يُحْيِينَا / هل من صلاحٍ يَدَاوِي
جُرْحَ أُمَّتِهِ (جویده، ۱۴۱۲ هـ. ق - ۱۹۹۱ م، ۳۷۲) (= آیا صلاح الدینی است که با شمشیر حق، ما را گرد
هم آورد / در قدس روزی آنرا زنده کند... و ما را زنده کند / آیا صلاح الدینی است که زخم امتش را
مداوا کند).

از اماکن تاریخی - اسلامی به کار رفته در شعر جویده سرزمین قدس است و در قصیده «لأنك
عشت في دمناء» به فراخوانی آن پرداخته است:

وَلَنْ نَسَاكَ يَا قُدْسُ / سَتَجْمَعُنَا صَلَاةُ الْفَجْرِ فِي صَدْرِكَ / وَقُرْآنٌ تَسْمُّ فِي سِنَاءِ ثَغْرِكَ (جویده،
۱۴۱۲ هـ - ق - ۱۹۹۱ م: ۳۱۱) (=ای قدس! هرگز تو را فراموش نخواهیم کرد / نماز صبح در
سینهات ما را جمع خواهد کرد / و قرآنی در روشنایی دندانت خندید).

قدس نماد اسلامی، قبله نخستین مسلمانان و یکی از شهرهای تاریخی و مذهبی جهان به شمار
می‌رود. جویده در این قطعه شعری قدس را مکانی دیرینه و شکوفه شهرهای دنیا می‌داند که در دل
تمامی انسان‌ها جای دارد و بیان می‌دارد ما هرگز قدس را فراموش نخواهیم کرد. جویده در قطعه‌ی
شعری دیگرش به بازخوانی مکان تاریخی حطین دهکده‌ای در فلسطین در غرب دریاچه طبریه
است که «صلاح الدین ایوبی» صلیبیان را در آنجا شکست داد پرداخته است:

قُلْ لِي بِرَبِّكَ / أَيْ ثَارَ تَطْلُبُونَ / إِنْ كَانَ يَا مَوْلَايَ ثَارٌ / مِنْ صَلَاحِ الدِّينِ فِي حِطِّينَ ... لَا تَغْضَبُ /
فَأَنْتُمْ فِي رَحَابِ الْقُدْسِ جَهْرًا تَرْتَعُونَ (جویده، بی‌تا: ۱۱۵) (=تو را به پروردگارت سوگند به من یگو / به
دنیال کدامین انتقام هستی / ای سرور من! اگر انتقام از صلاح الدین است در منطقه حطین ...
خشمگین نباش! / شما آشکارا در ساحت قدس به خوشگذرانی مشغولید).

صلاح الدین در جنگ تاریخی حطین کشتار عظیمی از صلیبی‌های خونخوار به راه انداخت.
جویده در این قطعه شعری به این واقعه تاریخی که یادآور شکوه و عظمت مسلمانان است اشاره
کرده است.

۴- تکنیک‌های فاروق در بازخوانی میراث

فاروق جویده، با سه روش، شخصیت‌ها را در شعرش بازخوانی کرده است از جمله به کار بردن اسم
به‌صورت «علم، کنیه و لقب»، نقش و گفتار. در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت:

۴-۱. کاربست اسم علم

فاروق گاهی برای القای اهدافش از به‌کارگیری اسم‌های خاص غافل نبوده است. این رویکرد وی
گاهی به شکل اسم‌های اشخاص بزرگ تاریخی و دینی و گاه نیز برای اهداف ویژه‌ای که در ذهن
داشت به‌صورت نام‌های منفی است.

۴-۱-۱. کاربرد اسم

جویده در قطعۀ «زمن الذناب» با آوردن اسم علم، شخصیت امام حسین(رض) را فراخوانده و از بی-رحمی‌ها و سنگدلی‌های روزگار خود سخن گفته که به حق آنرا «روزگار گرگ‌ها» نامیده است. گرگ در شعر او نماد تمام انسان‌های درنده‌ای است که جز به منافع خویش نمی‌اندیشند. سپس شاعر در پی حاضر کردن امام حسین(رض) در عصر خود است. او با این سؤال که آیا امام در عصر شاعر زیسته و آیا در دوران امام، پلیدی و ظلم ستم وجود داشته از یک طرف به شرایط بد و سیاه روزگار خود اشاره کرده و از طرفی، تنها راه نجات آنرا در پیش گرفتن راه امام حسین(ع) دانسته است. از همین روست که هر گونه انحراف از مکتب حسین(رض) موجب از دست رفتن سعادت بشری می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

و غصبت یا ابناه مني بعدما / تاهت خطاي عن الحسين .. / اتره عاش زماننا * اتره ذاق .. كؤوسنا؟
... ستری دموع الحزن تحملها بقايا.. مقلتين .. / فأنا أحن إلى الحسين .. / (جویده، ۱۴۱۲ ه.ق- ۱۹۹۱ م: ۸۴) (=پدر جان! بر من خشم گرفتی پس از آنکه / گام‌هایم از حسین(ع) منحرف شد / ای پدر! به نظرت او در زمان ما زندگی کرده / و از جام ما نوشیده است؟... روزگاری مرا خواهی دید که در بارگاه حسین(ع) نماز می‌گرام / خواهی دید که باقی مانده دو چشمم اشک اندوه را با خود دارد / و من مشتاق حسینم!).

۴-۱-۲. کاربرد لقب

فاروق جویده گاه در فراخوانی شخصیت‌ها از «لقب» بهره گرفته است. لازم به توضیح است که «اسم تنها برذات دلالت دارد و لقب، هم برذات دلالت می‌کند و هم برصفت و مدح» (ابن عقیل، ۱۳۷۳: ۱۲۰) ما نیز می‌پذیریم آنجا که «لقب» نسبت به «اسم» واضح‌تر است و توصیف و تعیین را همزمان در یکجا جمع می‌کند. با توجه به این اصل است که می‌بینیم پس نام برخی از شخصیت‌های مهم، بدون ذکر لقب برای مخاطب گنگ و ناآشنا خواهد با توجه به همین اصل است که فاروق جویده در سروده‌های خویش بجای فراخوانی شخصیت‌ها از طریق «نام» از لقب استفاده کرده است. به عنوان نمونه به جای اسم «احمد بن عبدالله بن سلیمان معری» ابوالعلاء و به جای اسم «یوسف بن ایوب بن شادی» لقب صلاح الدین را در سروده «رسالة إلى صلاح الدین» به کار می‌برد. گذشته از در نظر گرفتن مسأله آشنایی و ناآشنایی در این مجال، اهداف دیگری نیز ممکن است مورد توجه باشد. به عنوان نمونه شاعر به جای اینکه از نام «یوسف بن ایوب بن شادی» استفاده کند از لقب «صلاح الدین» بهره گرفته است:

سَوْفَ أَحْمِي وَجَهَ ابْنِي / بَعْدَمَا صَلُّوا صَلاَحَ الدِّينِ / يَا وَطَنِي عَلَيَّ الْجُدْرَانِ / فِي أَيِّ صَدْرٍ (جویده، ۱۹۹۶ م: ۱۲۳/۱۲۲).

شاعر با بکارگیری لقب صلاح الدین، توانسته از حسرت خود نسبت به گذشته و روزگار پرعزت خود پرده بردارد و به مخاطب بفهماند که اودچار «نوستالژی» است و از ذلت و خواری امروز در عذاب است. صلاح الدین در شعر فاروق جویده یادآور شکوه و عظمت پیشین اعراب است؛ که در زمان معاصر چیزی از آن باقی نمانده است، عظمتی که جای خود را به خواری و ذلت داده است.

۴-۱-۳. کاربرد کنیه

جویده در فرایند بازخوانی شخصیت‌ها از «کنیه» نیز بهره گرفته است. نحویان در تعریف کنیه گفته‌اند: «کنیه آنست که قبلش واژه (أب) یا (أم) بیاید مانند أبو عبدالله، أم الخیر» (ابن عقیل، ۱۳۷۳: ۱۱۹) افزون بر آن نحویان اسم‌هایی را که بر سر آن واژه‌هایی همچون ابن، بنت، أخت، أخ، عم، عمه، خال و خاله در آمده در شمار کنیه به حساب آورده‌اند، مانند: ابن المطلب. (ر. ک: یعقوب، ۱۳۸۳: ۵۵۵) فاروق جویده گاه با تکیه بر اهداف سیاسی از کنیه در جهت بازخوانی شخصیت‌های سنتی استفاده کرده است. به‌عنوان نمونه وی برای فراخوانی شخصیت‌های منفی (عبد العزی بن عبد المطلب، ابوحنظله صخر ابن حرب ابن امیه، عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی) که در متون اسلامی آمده‌اند، از کنیه بهره گرفته است:

لن یُصِحَّ بیتِ ابي لهب / فی یومِ دارِ ابي سفیان / لا تسمع صوتَ ابي جهل / حتی لو قرأ القرآن
(جویده، بی تا، ۱۲۳) (=خانه ابولهب روزی منزل ابوسفیان نخواهد گردید / به صدای ابوجهل گوش نده / با وجود اینکه قرآن بخواند).

جویده در این سروده با بهره‌گیری از القاب ابولهب، ابوجهل و ابوسفیان به انتقاد سردمداران عرب پرداخته است.

۴-۲. رفتار

از دیگر شیوه‌های به کار گرفته شده در بازخوانی شخصیت‌های سنتی در شعر جویده تکنیک «رفتار» یا «کردار» شخصیت‌های سنتی است. بررسی‌ها نشان از آن دارد که شاعر زمانی می‌تواند از این شیوه‌ی هنری بهره گیرد که آن شخصیت، شناخته شده و در اذهان مردم از صفت ماندگاری برخوردار باشد در غیر این صورت شعر شاعر برای مخاطبینش مبهم و پیچیده جلوه خواهد نمود و شاعر نیز از هدف خود در این فرایند باز خواهد ماند. فاروق گاه بجای تصریح به نام شخصیت سنتی از این شیوه استفاده کرده است و از این طریق تلاش کرده تا مخاطبان شعریش به بازنگری و ژرف نگری وا دارد و به دنبال آن، مخاطب را در هر اثر خود دخالت دهد تا به فهم قابل قبولی از شعر وی دست یابد. به عنوان نمونه جویده بجای تصریح به نام حضرت یعقوب این گونه گفته است:

وَصَعَ الْقَمِيصَ عَلَى يَدَيْهِ / وَصَاحَ: يَا أَحِبَابَ لَا تَتَعَجَّبُوا / إِنِّي أَشْمُ عَبِيرَ مَاءِ النَّيْلِ فَوْقَ الْبَاخِرَةِ/ هِيَ إِحْمَلُوا عَيْنِي عَلَى كَفِّي/ (جویده: ۲۰۱۰، ۲۴/۳۰).

در این نمونه روی دست گذاشتن پیراهن حضرت یوسف، بوییدن پیراهن، تکذیب شدن حضرت یعقوب از سوی فرزندان، چشم در راه فرزند بودن و ... همه و همه رفتار و کردارهایی است که متعلق به حضرت یعقوب (ع) است که شاعر بدون تصریح به نام و بصورت غیر مستقیم آنها را برای مخاطب بازخوانی کرده است.

۴-۳. گفتار

از دیگر تکنیک‌های مورد استفاده فاروق جویده در فرایند بازخوانی شخصیت‌ها تکنیک «گفتار» است. بدین گونه که شاعر گفتار مهم و ماندگار چهره‌ای را به صورت بینامتنی در متن شعری خود جای می‌دهد بی‌آنکه صراحتاً نام شخصیت سنتی را ذکر نماید. فاروق جویده در فرایند بازخوانی شخصیت‌ها با بکار بردن گفتار آن‌ها در اثر ادبی فرا می‌خواند. به عنوان نمونه در قصیده «ماذا تَبَقَّى مِنْ بِلَادِ الْأَنْبِيَاءِ» که به یاد و خاطره پنجاهمین سالگرد اشغال فلسطین سروده است؛ چنین سروده: ماتت فلسطین الحزينة / فاجمعوا الأبناء حول رفاتها / وابكوا كما تبكي النساء / خلعوا ثياب القدس ... (http://www.adab.com).

قرطبه (گردوای امروزی در اسپانیا) آخرین شهر اندلس بود که در سال ۱۴۹۲ به وسیله اسپانیایی‌ها سقوط کرد و با سقوط آن عربها به صورت کامل بعد از حدود ۸۰۰ سال عزت و پرچم برافراشته با نور و فرهنگ و عدالت و تمدن، خارج شدند آخرین پادشاه عرب‌ها در قرطبه ابوعبدالله بود که با گریه بر خود و شهر قرطبه آنجا را ترک کرد. زمانی که مادر ابو عبدالله فرزندش را بعد از برکنار شدن از تخت طلایی‌اش دید سخن مشهور خود را به او گفت: «مانند زنان بر حکومتی گریه کن که مانند مردان از آن دفاع نکردند» فاروق جویده به شیوه‌ی طنز تلخ در نقد حاکمان عرب که از قدس و سرزمین فلسطین در برابر اسرائیل غاصب دفاع نکردند از این عبارت استفاده کرده است و خطاب به آنان می‌گوید: «وابكوا كما تبكي النساء».

۵- میزان حضور شخصیت‌های سنتی

در یک نگاه کلی میزان حضور یک شخصیت سنتی در شعر فاروق جویده به سه گونهٔ مختلف ترسیم می‌شود: جزئی، ممتد و محوری.

۱-۵. حضور جزئی

گاه یک چهره سنتی، تنها در یک بخش از سروده چند بخشی حضور می‌یابد و در بخش‌های دیگر نامی از آن نیست، به گونه‌ای که در ادامه‌ی سروده به فراموشی سپرده می‌شود. به بیان دیگر «بکارگیری شخصیت سنتی به شکل جزئی از یک اشاره گذرا به آن اسم، یا در بهترین حالت اختصاص دادن یک بند از سروده به آن فراتر نخواهد رفت.» (المسّاوی، ۱۹۹۴: ۱۵۸) به عنوان مثال جویده قصیده‌ی «إن هان الوطن يهون العمر» که آنرا به کودکان فلسطین اشغالی هدیه کرده را به چهار بخش تقسیم نموده و در یک بخش آن می‌گوید:

حَجْرٌ فِي كَفْكٍ يَا وَلَدِي سَيْفُ اللَّهِ / فَلَا تَأْمَنُ / مَنْ شَرِبُوا دَمَ الْمُحْرَمِينَ / مَنْ أَكَلُوا لَحْمَ الْمَسْجُونِينَ
(جویده، بی تا: ۱۲۱) (=فرزندم! سنگی که در دستانت است شمشیر خدا است / باور نکن! کسانی را که خون محرومان را نوشیدند / کسانی که گوشت زندانی‌ها را خوردند).

شخصیت صلاح الدین که تنها در یک بخش از سروده بالا حضور یافته و در قسمت‌های بعدی نشانی از آن نیست، یادآور واقعه‌ی حطّین است که در آن کشتار خونین به راه انداخت و فلسطین را از وجود صلیبیان نجات داد. و این خود حکایت از آن دارد که این چهره در این بستر شعری عهده‌دار پیغامی مهم نبوده و نقش آن در رساندن اغراض شاعر کم رنگ و سطحی است.

۲-۵. حضور ممتد

نوع دیگر حضور شخصیت سنتی در شعر شاعر، حضوری ممتد است؛ بدین شکل که چهره مورد نظر در یک سروده و در بیش از یک حرکت امتداد می‌یابد ولی این‌گونه نیست که در تمامی بخش‌های سروده حضور داشته باشد و کانون توجه شاعر قرار گیرد. این نوع فراخوانی محور کمک کننده برای شخصیتی یا رویدادی و یا اندیشه‌ای قرار می‌گیرد. (مجاهد، ۱۹۹۸: ۲۵۵) کاربرد این شیوه در شعر فاروق جویده بسیار است به‌عنوان نمونه در سروده «عودة الأنبياء» شخصیت پیامبر(ص) حضوری ممتد دارد و شاعر در سراسر این سروده، به دنبال مجسم کردن شرایط حاکم بر دنیای امروز است و با مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) از فقر و گرسنگی، بی‌عدالتی، تحقیر انسان‌ها و محرومیت حاکم بر آن سخن می‌گوید:

أهلاً رسولَ اللَّهِ / يا خيرَ الهداةِ الصادقين / أنا يا محمدُ قد أتيتك / من دروب الحائرين / فلقد رأيتُ
الأرضَ / تسكُرُ من دماءِ الجائعين / والناسُ تحرقُ في رفاتِ العدلِ / ماتَ العدلُ فينا من سنين / أنا يا
رسولَ اللَّهِ طفلاً حائراً / (جویده، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۱م: ۲۲۲).

شاعر در ادامه سروده نیز ضمن خطاب قرار دادن شخصیت پیامبر(صلی الله علیه) از سرگشتگی، بی‌هویتی خود و خفقان حاکم بر جامعه سخن می‌گوید:

أنا يا رسول الله / لم أعرف مع الدجل الرخيص حكايتي / ماذا أكون؟ ومن أكون؟ أمام قبر مدینتی /
 وأموت في نفسي .. أموت / وأموت في خوفي .. أموت / وأموت في صمتي .. أموت (همان: ۲۲۳)،
 (=ای پیامبر خدا!! / با دروغ گوی بی ارزش ماجرایم را نمی دانم / چه می شوم؟ و من کی هستم؟ /
 مقابل گورستان شهرم / با خود می میرم .. می میرم / با ترسم می میرم .. می میرم / با سکوت می میرم ..
 می میرم).

به همین ترتیب شاعر در بخش‌های دیگر این سروده نیز با دخالت دادن شخصیت پیامبر (ص) و امتداد آن، شرایط حاکم برجوامع معاصر را بر شمرده است.

۵-۳. حضور محوری

گاه شخصیت‌های سنتی در شعر فاروق جویده حضور محوری دارند. یعنی شخصیت سنتی در تمام بخش‌ها حضوری فعال دارد و کانون توجه شاعر است به گونه‌ای که آن شخصیت به عنوان محور سروده قرار گرفته و ذهنیت شاعر حول آن بحث می‌کند. (مجاهد، ۱۹۹۸: ۲۵۵) ممکن است شاعر به منظور پربار کردن تجربه شعری خود، شخصیت‌های دیگری را نیز در کنار شخصیت اصلی سروده بیاورد که البته آن شخصیت‌ها در حاشیه قرار می‌گیرند و نقش کمکی به شخصیت اصلی را دارند (ایوکی، ۱۳۹۱: ۳۲) به‌عنوان نمونه فاروق جویده در قصیده «الأرض قد عادت لنا» با فراخوانی شخصیت منفی فرعون که نامش در قرآن آمده است بر آنست تا ترس ملت از فرایند وراثت و خلافت سیاسی برای منصب ریاست جمهوری پرده بردارد:

يا سيدي الفرعون / قل لي كيف أدمنت الفساد / وبأي حق / قد ورثت الحكم في هذي البلاد /
 وبأي دين / قد ملكت الأرض فيها والعباد (http://digital.ahram.org.eg)

شاعر در ادامه قصیده، با استفاده از نقاب فرعون، حسنی مبارک را مورد خطاب قرار می‌دهد و او را همانند فرانه باستان، ظالم و ستمگر می‌داند و از فقر جامعه، کشتار مردم و کودکان در جریان انقلاب ژانویه ۲۰۱۱م، اندوه مادران و خشونت‌های پلیس این کشور در سرکوب معترضان ابراز غم و اندوه می‌کند و به شیوه طنزگونه، او را سرور خود خوانده:

يا سيدي الفرعون / شعبك ضائع في الليل / يخشى أن ينام / في الجوع لا أحد ينام
 (www.digital.ahram.org.eg) (=ای سرورم فرعون! / ملت تو در تاریکی شب در حال نابودی‌اند /
 می ترسند که بخوابند / با گرسنگی کسی نمی‌خوابد).

۶- نتیجه

می‌توان از فاروق جویده به‌عنوان شاعری معاصر نام برد که با کاربرد میراث کهن، در شعر خود دغدغه خویش را در مورد جامعه‌اش ابراز داشته از این‌رو می‌توان ادعا کرد که بر این اساس وی از

جمله شاعران جامعه‌محور است و اصلی‌ترین پیام او در سروده‌هایش بازگشت به خویشتن بر اساس کهن‌الگو و میراث است. فاروق در مسیر بازخوانی کهن‌الگوهای میراث، از منابع متنوعی بهره برده است و از این‌رو می‌توان او را شاعری خَلَق در این زمینه برشمرد. از جمله منابع الهام شاعر میراث اسلامی در قالب متون دینی و شخصیت‌ها، و میراث تاریخی اسلامی در قالب شخصیت‌ها و مکان‌های تاریخی - اسلامی است.

شیوهٔ پرداخت جویده در مورد کاربرد میراث کهن گاه با پس زمینه‌ای کم رنگ و گاه نیز آنقدر پُررنگ که نقش محوری و ممتد آن کاملاً در اشعارش هویدا است. شاعر با فراخوانی میراث نه تنها به شعر خود غنا بخشیده است بلکه از این راه پیوندی عمیق را با دیرینهٔ تاریخی خود ایجاد کرده است. از نظر فراوانی و آمار، فراخوانی اشخاص نسبت بیشتری دارد. شاعر گاه به هدف برانگیختن مخاطب و ایجاد انگیزه و نیز یادآوری دیرینهٔ پر بار، از شیوهٔ بازخوانی میراث کهن به‌عنوان یک ابزار استفاده کرده است. فاروق تنها اشخاص مثبت را فراخوانده است بلکه گاه به منظور خاص مثل واداشتن مخاطب به تفکر، اشخاصی را با ویژگی‌های منفی هم فراخوانده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن عقیل، بهاء الدین. (۱۳۷۳). شرح ابن عقیل (جلد ۱۰). تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید. قم: انتشارات ناصر خسرو.

اسوار، موسی. (۱۳۸۱). پیشگامان شعر امروز عرب (از سرود باران تا مزامیر گل سرخ). تهران: انتشارات سخن.

انصاری، نرگس. (۱۳۹۲). ترجمه و تحلیل شعرهای حسینی در ادبیات معاصر عرب. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

ایوکی، علی نجفی. (۱۳۹۰). شگردهای فراخوانی شخصیت‌های سنتی و بیان دلالت‌های آن در شعر امل دنقل. ادب عربی، ۳(۴).

جویده، فاروق. (۱۹۹۶). ألف وجه للقمر (جلد ۱). قاهره: دار غریب للطباعة والنشر والتوزیع.

جویده، فاروق. (۱۹۹۷). كانت لنا أوطان (جلد ۲). قاهره: دار غریب للطباعة والنشر والتوزیع.

جویده، فاروق. (۱۹۹۸). لو أننا لم نفترق (جلد ۱). قاهره: دار غریب للنشر والتوزیع.

جویده، فاروق. (۲۰۱۰). ماذا أصابك يا وطن؟. قاهره: دار الشروق.

جویده، فاروق. (بی تا). آخر لیلی الحلم. قاهره: دار غریب للطباعة والنشر والتوزیع.

جویده، فاروق. (بی تا). زمان القهر علمنی. قاهره: دار غریب للطباعة والنشر والتوزیع.

جویده، فاروق. (بی تا). لن أبيع العمر. قاهره: دار غریب للنشر والتوزیع.

جویده، فاروق. المجموعة الكاملة (جلد ۳). قاهره: مرکز الأهرام للترجمة والنشر.

- خسروی، کبری. (۱۳۹۱). فراخوانی شخصیت‌های دینی در شعر نزار قبانی. *فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)*، ۳(۷).
- راستگو، سید محمد. (۱۳۸۳). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی (چاپ سوم)*. تهران: سمت.
- زاهدی، مصطفی. (۱۳۸۶). سیمای پیامبر (ص) در شعر شاعران مهاجر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- صیادانی، علی و همکاران. (۱۳۹۰). بررسی روابط بینامتنی قرآن در شعر شاعران نوگرای فلسطین و نقش آن در بیداری اسلامی. *فروغ وحدت*، ۷(۲۵).
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبد النور، جبور. (۱۹۷۹). *المعجم الأدبی (جلد ۱)*. بیروت: دار العلم للملایین.
- عبدی، صلاح الدین. (۲۰۰۹). *إستدعاء التراث فی أدب زکریا تامر. مجله العلوم الإنسانیة والدولیة*، ۱۶، ۵۷-۶۹.
- فلاح النوافعة، جمال. (۲۰۰۸). *أثر القرآن الکریم فی الشعر الفلستانی الحدیث*. رساله دکتوراه، جامعه مؤتة، إشراف: أ. د سامح الرواشدة.
- القرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر. (۲۰۰۶). *الجامع لأحكام القرآن (جلد ۱۲)*. بیروت: دار للطباعة والنشر والتوزیع.
- مجاهد، احمد. (۱۹۹۸). *أشکال التناص الشعری*. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- المساوی، عبد السلام. (۱۹۹۴). *البنیات لداله فی شعر أمل دنقل (جلد ۱)*. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- یعقوب، امیل بدیع. (۱۳۸۳). *موسوعة النحو والصرف والإعراب (جلد ۳)*. قم: انتشارات استقلال.